



علی اکبر حسینی

می دانیم که کم و بیش ملت‌های اسلامی بیدار شده‌اند و زمره‌احیای سنن اسلامی و قوانین آن بلند گردیده و بسیاری از کشورها خواستار اجرای احکام و قوانین اسلام بویژه قوانین جزائی آن در مملکت که عملاً سالها و قرن‌ها متروک شده بود ، می باشند .

مجله « تایم آمریکائی » می نویسد :

« پاکستان و نیز ایران در صدند که احکام اسلامی را در حکومت دولت خویش اجراء کنند و قوانین اسلام پیاده شود . مجلس ملی مصر نیز هم اکنون سرگرم بررسی لایحه پیشنهادی و جوب اجرای اصول و مبادی اسلام در شهرهای مصر می باشد . و این خود تغییر بنیادی در حیات اجتماعی شهرها پدید می آورد ... » (۱)

این مساله با اوج گیری پیروزی انقلاب ایران و طلیعه پیاده شدن قوانین اسلام به ویژه اعدام جنایتکاران رژیم منفور و مفسدان و آدم کشان ، بازتاب بیشتری پیدا کرده است . می دانیم که سالهای طولانی است که اعدام جانی و بطور کلی این قبیل مجازات مورد بحث محافل حقوقی و جزائی و مجامع بین المللی است و بسیاری از دانشمندان و دولت‌ها را بخود مشغول کرده است تا آنجا که پاره‌ای از روشنفکران و صاحب نظران و افراد با اصطلاح دلسوز جامعه آن را عملی خشونت بار و ضد اخلاقی و ضد انسانی دانسته و خواستار لغو و از بین رفتن آن و جایگزین ساختن احکام دیگر بجای آن می باشند .

بسیار ندکه می گویند: چرا شخصی را اعدام کنند و به دار بزنند ؟ هر چند او جنایت کرده و خون بی گناه بایی گناهی را ریخته است ولی خون راکه باخون نمی شویند ! پس چرا یک نفر دیگر ازین برود و احمیاناً خانواده ای دیگر بی سرپرست گردد ؟ !

* * *

باید گفت که اینگونه دلسوزی ها و طرز تفکرها تا زگی نداشته از سابق هم بوده است. تا آنجا که این تفکر باعث پیدایش مکتب هائی از قبیل « مکتب سالب آزادی » گردیده و تحول بزرگی در امور کیفری ایجاد کرده است . (۲)

مهمترین علل پیدایش این مکتب و انکس مردم اروپا نسبت به مجازات های بی رحمانه و غیر انسانی بود که برای اندک خلاف و برای هر جرمی مجازات سخت قائل بودند در سال ۱۷۸۰ در انگلستان / ۳۵۰ جرم را با اعدام مجازات می کردند این تعداد در سال ۱۸۳۹ به هفده مورد رسید و در سایر جرائم بجای اعدام از زندان استفاده می شد . « منتسکیو » نیز برای فقط پنج نوع جرم مجازات قائل بود . . . (۳)

هدف « مکتب سالب آزادی » حذف کیفرهای غیر انسانی و شدید ، اصلاح زندان ، و اجرای مجازات زندان بصورتی که برای هدایت و بازسازی اجتماعی تبهکاران و جلوگیری از منزوی کردن و دور نگه داشتن آنان از اجتماع بوده باشد . در پی گرد مکتب سالب آزادی ، مکتب جدید روانکاوی نیز پدید آمده است (۴)

در مقابل این مکتب ، مکتب دیگری وجود دارد که درست بر خلاف آن است و آن را « مکتب طرد » می نامند . مکتب طرد ، طرفدار طرد مجرمان خطرناک می باشد و معتقد است که مجرمان و بزهکارانی که صدمات و زیانهایشان هر لحظه اجتماع و افراد را مورد تهدید قرار می دهد و غیر قابل اصلاح اند باید اعدام یا محروم از آزادی گردند و بطور دائم در زندان در محیط خاصی یا دور از اجتماع نگهداری شوند . ! !

می گویند : حتی افلاطون در گذشته طرفدار این نظریه بوده است .

در قرن ۱۶ و ۱۷ دانشمندان زیادی از طرد بزهکاران حمایت می کردند . .

« ماکسول » Maxwell دانشمند اوایل قرن بیستم نیز از طرفداران طرد بزهکاران بود .

۲ - جرم شناسی ج ۲ ص ۳۲۵

۳ - مدرک مزبور ص ۳۲۵ بنقل از روح القوانین

۴ - جرم شناسی ۳۴۴

مشهورترین پیشوایان این مکتب «شارل لوکا» و «هنریل دومارسانگی»، «برنزه» و «دمتز» می باشند. (۵)

«طوماس مورس T. Mors» شاید از اولین کسانی باشد که با هرگونه مجازات اعدام مخالفت کردند ولی درباره بزهکاران غیر قابل اصلاح معتقد است که باید آنان را مانند حیوانات وحشی که قابل رام شدن نمی باشند، بدون هیچگونه ترحمی سربرید. . . !
«میشل رولومتیبال» حقوقدان دیگر می گوید: همیشه عضو پوسیده را باید جدا کرد و از بین برد.

«ژان گراوان» می نویسد: «مطمئناً بزهکارانی یافت می شوند که نه ترس و نه ارباب در آنان ایجاد می شود و نه قادرند حالت سازگاری با محیط را در خود پدید آورند، اینان همیشه يك خطر بسیار بزرگ برای افراد و اجتماع محسوب می شوند. . . . این يك حقیقت بزرگ است و باید امروز در نظر داشته باشیم که محکومیت به مرگ جنبه انتقام جوئی یا توبه را ندارد بلکه جهات امنیت و دفاع آن مورد نظر است یعنی اعدام عملی است که بزهکار را برای همیشه از جامعه طرد می کند و حالت زیان رسانی او را نابود می سازد.»

گروه زیادی از دانشمندان حقوقی مثل «استفانی» - «لواسور» - «ژامبولن» معتقدند که باید اجتماع را از وجود چنین افراد وحشتناکی نجات داد و آنان را نابود ساخت چون کوشش‌ها و راه‌های درمانی که برای سازندگی بزهکار صرف می شود نتایج لازم را بیار نیاورده است.

«لومبروزو» معتقد است: که بزهکاریك میکروب اجتماعی است که سلامت جامعه را مورد تهدید قرار می دهد بنابراین اجتماع حق دارد علیه جرم ارتكابی، از خود واکنش نشان دهد. . . .

در برابر این مکتب، مکتب دفاع اجتماعی نو، بوسیله «مارک آنسل» فرانسوی پایه گذاری شد و مرکز تحقیقاتی بنام «مرکز مطالعات دفاع اجتماعی» و مرکز فرانسوی «حقوق تطبیقی» را بوجود آورد و کنگره‌هائی بنام روزهای دفاع اجتماعی برپا کرد که از سال ۱۹۵۲ هر سال تشکیل شد و سرانجام با نشریات خود شهرت بسزائی یافت. هدف عمده آنها دو چیز بود. پیشگیری از ارتكاب جرم - معالجه و بازسازی اجتماعی. . . .
باتوجه به مطالب یاد شده و نظرات افراطی و تفریطی و تشکیل مجامع بین المللی برای مجازات و. . . ، هنوز هم بسیاری از کشورهای بزرگ و کوچک، مترقی و غیر مترقی

جهان؛ مجازات اعدام را حفظ کرده اند و اعدام در آنجاها قانونی است این کشورها عبارتند از: «انگلستان، ایالت متحده آمریکا» (۴۴ ایالت از ۵۰ ایالت باضافه کلمبیا و دولت مرکزی)، فرانسه، ژاپن، ایران، ایولند، برمه، پاکستان، ترکیه، تانگانیکا، توگو، جبل الطارق، جزیره موریس، جمهوری آفریقای جنوبی، آفریقای مرکزی، مصر، ویتنام، چکسلواکی، چین (تایوان - فرمز) داهومی؛ رودزیا، زنگبار، ساحل عاج، سالوادور، سنگال، سودان، سورینام، سشل، عراق، غنا، فیلیپین، کامبوج، کانادا، کوبا، گامبیا، گواتمالا، گینه جدید، لائوس، لبنان، لهستان، لیبریا، مالاری؛ مالیزی، مراکش، مکزیك (برخی از ایالتش) هند و هنگ کنگ. . .» (۶)

جرم چیست؟

اکنون برای شناخت بیشتر جرم، وبزه، به شناسایی و تعریف آن می پردازیم:

برای جرم تعریف های متعدد شده است:

«هوگو» و «ماکسول» و «تارد» جرم را تجاوز به حقوق و وظیفه معنی کرده اند: برخی آن را عملی قابل مجازات یا عملی برخلاف آزادی فردی، یا عملی برخلاف قانون و اخلاق معنا کرده، و گروهی دیگر هر یک به نوبه خود، آن را عملی ضد اجتماعی و لطمه زدن به وجدان و اخلاق دانسته اند.

تعاریف فوق را حقوق دانان و جرم شناسان بیان داشته اند ولی «منتسکیو» به چهار نوع جرم معتقد است و برای هر یک کیفرهای متناسب را ضروری می داند:

- ۱ - جرم علیه مذهب .
- ۲ - جرم علیه اخلاق .
- ۳ - جرم علیه آرامش عمومی
- ۴ - جرم علیه امنیت .

وی برای هر یک مجازات را ضروری دانسته و معتقد است که مجازات در واقع قصاص جامعه از مجرمی است که خواسته است افراد را از امنیت محروم سازد یا محروم نموده است. وی هر چند با خشونت بطور کلی مخالف است و مجازاتهای سنگین را نفی می کند ولی در عین حال معتقد است که اگر کسی آنچنان به امنیت اجتماع لطمه زند که باعث نابودی دیگری شود، باید به مجازات مرگ محکوم گردد. کیفر اعدام همیشه

۶ - اعدام نوشته: مارک آنسل بنیانگزار مکتب دفاع اجتماعی ترجمه مصطفی

مانند درمانی است که برای چنین بیماری خطرناکی باید در نظر گرفت... (۷)

در مجازات عمومی دیوان جزا معمولاً بطور کلی جرائم را از نقطه نظر کمیت جرم؛ چنین تقسیم کرده‌اند: جنایت، جنحه بزرگ، جنحه کوچک، خلاف.

گرچه قانون جزا اینها را تعریف نکرده است ولی باتعمین مجازات برای هر جرم، می‌توان تشخیص داد که جرم در ردیف کدام دسته قرار دارد.

مثلاً برای «جنایت» معمولاً اعدام، حبس ابد یا اعمال شاقه، حبس موقت یا اعمال شاقه، حبس مجدد، تبعید و محرومیت از حقوق اجتماعی، بمناسبت نوع جنایت و خصوصیات آن تعیین می‌گردد؛ و برای جنحه مهم، حبس تادیبی بیش از یک ماه، اقامت اجباری در نقطه‌ای، یا ممنوعیت اقامت در مکانی، غرامت و محرومیت از برخی حقوق اجتماعی، و برای جنحه کوچک و نیز برای خلاف، مجازات‌های سبک‌تری در نظر گرفته شده است. (۸)

در اسلام نیز از جهتی جرائم بر دو نوع است: نخست جرائمی که خداوند برایش حد معین کرده است و در قرآن و سنت، نحوه حد و مقدارش بیان شده است و دوم جرائمی که برایش از طرف خدا و پیامبر... حدی تعیین نگردیده و باید «تغزیر» شود که میزان این تغزیر بنظر حاکم شرع و قاضی جامع شرایط محکمه شرعی منوط است.

نوع اول یعنی جرائمی را که برایش از طرف خدا و پیامبر حد تعیین گردیده است، بطور کلی به پنج نوع می‌توان تقسیم کرد:

- ۱ - قتل و جرح: جنایات وارده بر بدن و نفوس و اعضاء
- ۲ - سرقت و غارت (جنایات وارده بر اموال)
- ۳ - زنا و لواط (جنایات ناموسی)
- ۴ - جنایات مربوط به حیثیت و آبرو و شرف و اعتبار مسلمان (تهمت و قذف)
- ۵ - جنایت متجاوزینی که مربوط است به تجاوز از مرز و قانون شرع و تجاوز بر حریم اسلام و احکام قرآن (مثل ارتکاب کارهایی که در اسلام ممنوع است مانند قمار و شراب‌خواری و... ترک اعمالی که حرام است مثل روزه‌خواری علنی و...)

۷ - روح‌القوانین ۳۳۹ و جرم‌شناسی ج ۲ ص ۳۰ - ۲۷

۸ - حقوق جزا ص ۱۰ - ۹ و حقوق جنائی

مجرم یا بزهکار.

بنابراین مجرم یا بزهکار به کسی گفته می‌شود که مرتکب عملی گردد که قانون یا شرع ارتکاب آن را منع کرده است یا ترک عملی که انجام آن را واجب و لازم دانسته است چنین کسی در اسلام گنهکار و مجرم شناخته می‌شود و اگر توبه نکند باید مجازات شود چه برای جرمش حد و حکم مشخص تعیین شده باشد یا نشده باشد و در صورت دوم به دستور حاکم شرع و مجتهد و مرجع صلاحیت دار تأدیب و تعزیر می‌شود .

مسأله اعدام و قصاص در اسلام با ژرف‌نگری خاصی دور از افراط و تفریط بر اساس قسط و عدل مطرح است و شرایط ویژه‌ای دارد و اسلام راههائی برای گریز از اعدام و جلوگیری از خون ریزی بی‌جا پیش‌بینی کرده است که در شماره بعد به بحث و بررسی گذاشته می‌شود .

(ادامه دارد)

